



# انترناسیونال

## ۷۱

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲ بهمن ۱۳۸۳، ۲۱ ژانویه ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

### سی کودک محکوم به اعدام! نجات سه نفر از زیر تیغ اعدام!

کمپین بین المللی علیه اعدام  
صفحه ۵

کمپین بین المللی علیه اعدام  
صفحه ۵

### در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه  
صفحه ۸



### یکسال پس از جنایت خاتون آباد فاتح بهرامی

بسیار بیشتری زخمی شدند. هدف رژیم از این جنایت و گستاخی ارباب طبقه کارگر بود، اعلام رسمی و علنی دشمنی با طبقه کارگر و جنش اعتراضی آن بود.

صفحه ۵

روز یکشنبه، ۴ بهمن، سالروز جانباختن کارگران خاتون آباد است. حکومت وحوش اسلامی کارگران معترض به فقر و بیکاری را از زمین و هوا به گلوله بست تا شاید زهر چشمی از طبقه کارگر ایران بگیرد. حداقل ۷ کارگر جان باختند و تعداد



### انتخابات، مساله حاکمیت و آلترناتیو کمونیسم کارگری در عراق

مصاحبه با حمید تقوایی درباره شرایط فاجعه بار عراق و راه برون رفت از این شرایط

سناریوی سیاه نامیده میشود یکی از نتایج مستقیم دنیای پس از جنگ سرد و نظم نوینی است که سرمایه داری بازار آزاد و مشخصا

صفحه ۲

سیاه در عراق، دلایل و نتایج آن در زندگی سیاسی و اجتماعی مردم عراق کمی صحبت کنید.

حمید تقوایی: شرایط سیاسی اجتماعی که در ادبیات حزب ما

انترناسیونال: تهاجم آمریکا به عراق یک سناریوی سیاه تمام عیار بر عراق حاکم کرده است. ابتدایی ترین مشخصات یک جامعه مدنی هم دیگر در عراق وجود ندارد. قبل از طرح سئوالات دیگر لطفا در مورد مشخصات سناریوی



### سلطنت مرد؟ مصاحبه با علی جوادی

محافظة کار و نیروهای جنش ملی - اسلامی را تشکیل میدهد. جریانات راست و محافظه کار اپوزیسیون، بخشهای اصلی جریان

صفحه ۶

انترناسیونال: صفندی سیاسی در ایران سرعت قابل تغییر است. از نقطه نظر شما مبنای این تغییر صفندی چیست؟ علی جوادی: در چند کلمه باید بگویم که هیولای خیزش مردم و انقلاب اجتماعی آن کابوسی است که مبنای سیاسی تغییر صفندی در درون نیروهای اپوزیسیون راست و



### لبخند افسانه نوروژی اشک های شهلا جاهد انسانیت در بوته آزمایش

آذر ماجدی

زندگی افسانه که مدت هفت سال در شکنجه گاه های جمهوری اسلامی بسر برده گرما و شادی بخشید. افسانه اکنون به آغوش خانواده اش، به آغوش همسر و فرزندانش بازگشته است. می تواند پس از

صفحه ۷

شد تا برای پرداخت ۵۰ میلیون تومان وثیقه به جمهوری اسلامی به او کمک شود. انسان دوستی مردم، همبستگی و حمایت مردم زندگی افسانه نوروژی را نجات داد. به

حکم اعدام شهلا جاهد تصویب شد. افسانه نوروژی آزاد شد. افسانه نوروژی با لبخند و شادی از زندان بیرون آمد. مردم با او اعلام همبستگی کردند و صندوقی اعلام

صفحه ۴

### رویدادها و اعتراضات کارگری: از اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

### انترناسیونال ضمیمه ۷۱

در باره کمپین علیه دادگاههای اسلامی در کانادا منتشر شد

### در باره کارگر کمونیست ۶ و ۷

صفحه ۵

ناصر اصغری

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بورژوازی آمریکا تلاش دارد بر جهان حاکم کند. اصطلاح سناریوی سیاه را اولین بار منصور حکمت در تحلیل درخشانش از وضعیت سیاسی و صفتبندی نیروها در ایران (مقاله رویاهای ممنوع مجاهد، انترناسیونالیسم شماره ۱۵، سپتامبر ۱۹۹۴) به کار برد. در آن زمان وضعیت بوسنیا یک نمونه چنین وضعیتی بود و منصور حکمت در نوشته اش سناریوی احتمالی را که ممکن است شرایط بوسنیا در ایران تکرار شود و راه ممانعت از تحقق این سناریوی سیاه را مورد بحث قرار میدهد. امروز وضعیت عراق نمونه بارز سناریوی سیاه است و قبل از آن هم افغانستان و برخی جمهوری های سابق شوروی به چنین وضعیتی دچار شدند. امروز تحلیل و پیش بینی منصور حکمت در مورد سناریوی سیاه بعنوان یکی از خصوصیات بکه تازی سرمایه داری بازار آزاد در دنیای پس از جنگ سرد صحت خود را نشان داده، و باید گفت متاسفانه، در نقاط مختلفی از دنیا بوقوع پیوسته است.

در مورد عراق مشخصا سناریوی سیاه نتیجه مستقیم حمله نظامی آمریکا و متحدینش به این کشور است. علاوه بر این که این یورش نظامی مبانی و زیر ساخت مادی جامعه عراق، یعنی شهرها و خانه ها و جاده ها و مدارس و بیمارستانها را و حشیانه در هم کوبید، از لحاظ سیاسی نیز به نیروهای فوق ارتجاعی قومی و مذهبی زمینه رشد و فعالیت داد و به این ترتیب تمام ماتریال لازم برای ویرانسازی اجتماعی و سیاسی جامعه عراق را فراهم آورد. عراق امروز جامعه ایست که نا امنی و فقر و محرومیت از ابتدائی ترین امکانات یک جامعه مدنی در آن پیداد میکند. کار نیست، نان نیست، دوا و درمان و بهداشت و مدرسه و بیمارستان نیست و قانون و نظم و امنیت هم بکلی از جامعه رخت بر بسته است.

از سوی دیگر بازیگران اصلی سناریوی سیاه در دیگر نقاط دنیا، یعنی نیروهای قومی و مذهبی و سران ایلات و عشایر در کنار نیروهای نظامی آمریکا و متحدینش زندگی روزمره مردم

عراق را به خون کشیده اند. اسلام سیاسی، شیعیان و سنی ها، بقایای بعث، نیروهای ناسیونالیست کرد و عرب، و احزاب و گروههای متعدد قومی و عشیرتی در مقابل نیروهای اشغالگر و یا در کنار آنها فعال شده اند، بجان یکدیگر افتاده اند، و نشانه ای از مدنیت و انسانیت در عراق بجا نگذاشته اند.

این یک سناریوی سیاه تمام عیار در دنیای پس از ۱۱ سپتامبر است. وضعیت امروز جامعه عراق نمونه بارز و گویائی است از نقش و عملکرد تروریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی، تقابل میان این دو قطب تروریستی و در عین حال توجیه و زمینه سیاسی و اجتماعی بخشیدن آنها بیکدیگر در جهان سرمایه داری امروز.

**انترناسیونالیسم: علیرغم این وضعیت سیاه، دولت آمریکا و متحدینش ادعا میکنند انتخابات در آخر این ماه برگزار خواهد شد و گویا از این طریق مردم دولت مورد نظر خود را انتخاب خواهند کرد. ادعای انتخابات سیاسی در عراق چقدر واقعی است؟ و چه موضعی در مقابل این به اصطلاح انتخابات باید گرفت؟**

سیاست خارجی آمریکا در عراق و اقدامی در چهارچوب همان سیاستهایی است که وضعیت سناریوی سیاه را بوجود آورده است. نه پیش شرطهای انجام انتخاباتی که حتی با ابتدائی ترین استانداردها بشود آنرا انتخابات نامید در عراق وجود دارد و نه نتیجه چنین انتخاباتی به جنگ و تنش میان نیروهای مسبب سناریوی سیاه پایان خواهد داد. بر عکس، به احتمال زیاد جنگ و کشمکش و نا آرامیهای قومی و ملی و مذهبی در عراق گسترش پیدا خواهد کرد. همچنان که تا کنون صرف طرح و تدارک این "انتخابات" به این کشمکشها دامن زده و عملیات نظامی و تروریستی از جانب نیروهای اشغالگر و بقایای بعث و نیروهای سنی و شیعه را گسترش داده است. دولت محصول چنین انتخاباتی خود مرکز و بانی درگیریهایی تازه سیاسی و نظامی بین این نیروها خواهد بود. طرح انتخاباتی آمریکا راه پایان بخشیدن و یا حتی تخفیف دادن به وضعیت جنگزده و درهم ریخته جامعه عراق و باز گرداندن مدنیت به این جامعه

نیست. هدف آمریکا و متحدینش از این طرح اساسا نوعی مشروعیت بخشیدن به یک دولت قومی-مذهبی و با ترکیبی از همین نیروهای اسلامی ناسیونالیستی پرو آمریکا در دولت موقت موجود است. به نظر من حتی نیروهای نظامی آمریکا و متحدینش تماما عراق را ترک نخواهند کرد. ممکن است دیگر در جلوی صحنه نباشند اما با احتمال زیاد تحت نام و پوشش دولت جدید و این بار به بهانه کمک به دولت "منتخب" مردم همچنان حضور نظامی خود را حفظ خواهند کرد. بعبارت دیگر طرح انتخاباتی آمریکا ربطی به رجوع به رای مردم در تعیین دولت و "دموکراسی" حتی به معنی متعارف غربی آن ندارد. این تنها ادامه سیاستهای آمریکا و غرب و وضعیت سناریوی سیاه منتج از آن در پوشش ظاهرالصلاح تر و عوامفریبانه تری است. به همین دلیل هر نیروی که واقعا خواهان ختم سناریوی سیاه و تشکیل یک دولت غیر قومی و غیر مذهبی و شکل گرفتن یک جامعه مدنی در عراق باشد نباید این انتخابات را برسمیت بشناسد.

**انترناسیونالیسم: پیش از پرداختن به سؤالات مشخص دیگر، به این سؤال پایه ای تر جواب دهید که تفاوت یک وضعیت انقلابی و یک وضعیت سناریوی سیاهی در چیست؟ مبارزه برای آزادی و برابری در این دو وضعیت چه تفاوتی دارد؟**

حمید تقوایی: هم در شرایط انقلابی و هم در وضعیت سناریوی سیاه شرایط متعارف جامعه در هم می ریزد اما به دو شیوه و در اثر عواملی کاملا متفاوت و ۱۸۰ درجه مقابل یکدیگر. در شرایط انقلابی، مردم، کارگران و زحمتکشانی که از شرایط متعارف موجود به تنگ آمده اند، عامل و نیروی محرکه تغییر شرایط هستند اما در سناریوی سیاه مردم قربانیان تغییر شرایط اند. سناریوی سیاه از بالا و بوسیله نیروهای ارتجاعی جهانی و محلی به جامعه تحمیل میشود، و موجی از احساس استیصال و بی اقبی و نومیدی را با خود به همراه می آورد. در سناریوی سیاه نیز مانند شرایط انقلابی دولت و نظم و قوانین متعارف جامعه در هم می ریزد اما نه برای رسیدن به یک دولت و نظم و قوانین و کلا جامعه پیشروتر و انسانی تر بلکه برای استقرار حاکمیت و فعال

مایثائی نیروهای مادون ارتجاعی قومی و مذهبی و به قهقرا بردن جامعه به شرایط قرون وسطائی و ماقبل مدنیت.

سناریوی سیاه از هر نقطه نظر نقطه مقابل انقلاب و شرایط انقلابی است. در شرایط انقلابی مردم برای به زیر کشیدن دولت موجود بپا میخیزند اما در سناریوی سیاه اساسا دولتی موجود نیست که بشود بزیرش کشید. در انقلاب مردم برای رهائی از اختناق و فقر و ناربیری و تبعیض و رسیدن به آزادی و برابری به حرکت در می آیند اما در سناریوی سیاه نفس بقا و برخورداری از حداقل معیشت و ابتدائی ترین شرایط لازم برای حفظ خود و احیای شرایط یک جامعه مدنی متعارف، به مساله عاجل و مبرم همگان تبدیل میشود. در این شرایط دیگر نه آزادی و برابری و مبارزه برای رسیدن به یک جامعه بهتر و انسانی تر، بلکه بازگشت به وضعیت متعارف قبل از سناریوی سیاه به یک خواست عمومی تبدیل میشود. انقلاب تحولی عمیقا انسانی و سازنده و ارتقا دهنده و روجلوست. و سناریوی سیاه فاجعه ای ضدانسانی و مخرب و قهقرائی و بغایت ارتجاعی. سناریوی سیاه مظهر تمام نمای توحش سرمایه داری عصر ماست.

**انترناسیونالیسم: آیا امکان این هست که به این وضعیت سناریوی سیاه در عراق خاتمه داد؟ آیا دولت آمریکا و متحدینش اصولا میخواهند به این وضعیت خاتمه دهند؟ آیا میتوانند به آن خاتمه دهند؟ و همچنین آیا آمریکا و متحدینش قادر هستند یک دولت سکولار در عراق مسفر کنند؟**

حمید تقوایی: دولت آمریکا و متحدینش خود از عوامل اصلی ایجاد این وضعیت و جزئی از صورت مساله هستند و نه راه حل آن. برون رفت از این وضعیت مستلزم آنست که اولاً نیروهای اشغالگر فوراً از عراق خارج شوند و ثانياً همه نیروهای مذهبی و قومی اعم از نیروهای بعثی و نیروهای اسلامی شیعه و سنی و ناسیونالیستهای کرد و عرب و غیره که در شکل دادن به فاجعه انسانی عراق دست داشته اند خلع سلاح شوند. تحقق همزمان هر دو این شرایط برای خاتمه بخشیدن به سناریوی سیاه و ایجاد زمینه های سیاسی و اجتماعی شکل گیری یک حکومت سکولار و غیر قومی و

غیر مذهبی مطلقا ضروریست. این امکان، هر چند بسیار ضعیف، وجود دارد که جنگ داخلی و سناریوی سیاه به شکل فاجعه بار امروز آن، در چهارچوب سیاستهای آمریکا و غرب خاتمه پیدا کند، اما سازمان دادن یک جامعه مدنی و سکولار و تشکیل یک حکومت غیر قومی و غیر مذهبی در عراق، در چهارچوب سیاستهای آمریکا و غرب غیر ممکن است. سرمایه داری بازار آزاد پس از جنگ سرد و نظم جهانی مطلوب او نه میتواند و نه قادر است منشا و اشاعه دهنده مدنیت و سکولاریسم باشد. سیر قهقرائی به شرایط مادون مدنیت و انسانیت حتی در خود جوامع غربی از حتی قبل از فروریختن دیوار برلین شروع شده است و آنچه دیروز در بوسنیا و افغانستان و امروز در عراق شاهدش هستیم ادامه این سیر قهقرائی، یا بعبارت دقیقتر صدور "دموکراسی غربی" بمعنای سرمایه داری بازار آزاد و نظم نوینی آن، به کشورهای جهان سومی است.

مذهب و قوم پرستی و ناسیونالیسم جزء لاینجزای نظم سیاسی-اجتماعی نوین سرمایه داری دوران ماست و این واقعیت به درجات و در اشکال متفاوت هم در خود جوامع غربی قابل مشاهده است و و هم در جوامع آسیائی و آفریقائی که مستقیم و یا غیر مستقیم از نتایج و عوارض نظم نوین جهانی بی بهره نمانده اند. سناریوی سیاه تنها فاجعه بارتترین شکل این گرایش عمومی سرمایه داری دوران ما به مذهب و قوم پرستی و ناسیونالیسم افراطی است. میدان پیدا کردن اسلام سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا و حتی در خود اروپا و غرب بعنوان یک آلترناتیو اجتماعی و حکومتی و روی کار آمدن رژیم وحشی جنایتکاری نظیر جمهوری اسلامی در ایران اشکال دیگر بروز این فاجعه انسانی است.

وقتی وضعیت عراق را بر متن این شرایط عمومی در نظر بگیرید روشن میشود که آمریکا و متحدینش و کلا سرمایه داری غرب قادر به ایجاد یک جامعه مدنی و سکولار در عراق نیستند. سناریوی سیاه در واقع بن بست و استیصال

## از صفحه ۲ مصاحبه با حمید تقوایی

کامل سرمایه داری دوران ما را در سازماندهی و اداره جامعه مدنی به نمایش میگذارد. امروزه دفاع از مدنیت و سکولاریسم و مبارزه برای برخورداری از یک حکومت و نظام غیر قومی غیر مذهبی و یک نظام مدنی و سکولار در جامعه عراق، همچنان که در ایران، در بسیاری از کشورهای اسلامزده دنیا و حتی در خود جوامع غربی ( نمونه: کمپین ما علیه تصویب قوانین و تشکیل دادگاههای اسلامی در کانادا) تماما بعد از سوسیالیستها و جنبش کمونیسم کارگری قرار گرفته است. تنها یک حکومت و نظام سوسیالیستی در عراق میتوانند به معنای واقعی کلمه مدنی و سکولار باشد.

**انترناسیونال: راه رها شدن از این وضعیت چیست؟ کدام نیرو میتواند به این وضعیت خاتمه دهد و دولت سکولار مستقر کند؟ استراتژی رهایی از این اوضاع چیست؟**

**حمید تقوایی:** راه برون رفت از این وضعیت بسیج و بحرکت در آوردن نیروی عظیم مردم است. تنها نیروی جهان متمدن، نیروی سومی که منصور حکمت آنرا در مقابل دو قطب تروریسم دولتی ناتو و تروریسم اسلامی بمیدان فراخواند، میتواند این توحش و تعرض جهانی به تمدن و انسانیت را به عقب براند. بطور مشخص در رابطه با مساله عراق باید در قدم اول نیروی مردم را هم در خود عراق و هم در سطح جهانی برای تحقق پیش شرطهای ایجاد یک جامعه و دولت سکولار بمیدان آورد. این پیش شرطها همانطور که در بالا اشاره کردم اخراج نیروهای اشغالگر از عراق و خلع سلاح نیروهای قومی و مذهبی است.

باید کارگران و جوانان و زنان را حول این خواستها سازمان داد و بسیج کرد. در عراق شرایط انقلابی وجود ندارد ولی ضرورت دفاع از خود زندگی، تلاش برای بقا و تامین حداقل معیشت و سریناه و نان و امنیت و اشتغال انگیزه و قوه محرکه نیرومندی است که میتواند مبنای سازماندهی و بحرکت در آوردن کارگران و زنان و دانشجویان و روشنفکران سکولار و مترقی در جامعه عراق قرار بگیرد. از سوی دیگر در سطح جهانی میتوان و باید اتحادیه ها و نهادهای کارگری و

احزاب و سازمانهای مترقی و انساندوست و ضد جنگ را برای اعمال فشار به آمریکا و متحدینش بسیج کرد. بویژه با توجه به شرایط نامساعد سیاسی و اجتماعی در عراق سازماندهی و پیشبرد یک کمپین بین المللی برای خاتمه بخشیدن به سناریوی سیاه در عراق نقش برجسته و تعیین کننده ای پیدا میکند.

**انترناسیونال: در رابطه با مبارزه برای اخراج نیروهای اشغالگر و خلع سلاح نیروهای اسلامی و قومی یک نکته واقعی مطرح است. این نیروها تا دندان مسلحند و در توحش و آدمکشی و جنایت کردن برای اهدافشان چیزی از همدیگر کم ندارند. با توجه به این، به طور واقعی چگونه میتوان این نیروها را عقب زد و به اولین شرط برقراری یک نظام سکولار دست یافت؟**

**حمید تقوایی:** همانطور که اشاره کردم کلید حل مساله سازماندهی و بسیج مردم و بمیدان آوردن جهان متمدن، مردم آزادیخواه و طرفدار یک نظام و جامعه سکولار و مدنی در خود عراق و در سطح جهانی است. باید خواست خروج بدون قید و شرط نیروهای اشغالگر و خلع سلاح نیروهای مذهبی و قومی و ملی در خود عراق به یک مطالبه جهانی تبدیل شود. همان نیروی عظیمی که در فوریه ۲۰۰۳ در مخالفت با تهاجم عراق در چهار گوشه جهان به خیابانها ریخت را میتوان و باید برای تحقق این مطالبات سازمان داد و بسیج کرد. در خود عراق شرایط واقعی زندگی هرروز بخش وسیعتری از جامعه را به کمپ سکولاریسم و مدنیت میزند. به نظر من باید مشخصا خواستار آن شد که ارتش آمریکا و متحدینش فوراً از عراق خارج شوند و یک مرجع بین المللی مثل سازمان ملل امر خلع سلاح نیروهای مذهبی و قومی در عراق را بعهده بگیرد. نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، با ترکیبی که نیروهای آمریکا و انگلیس و دیگر کشورهای مهاجم به عراق و همچنین نیروهای دول اسلامی جزء آن نباشند، میتواند عملاً خلع سلاح اسلامیبون و بعضی ها و دیگر نیروهای ملی و قومی را به انجام برساند. روشن است که سازمان ملل یک نهاد مستقل و بی طرف نیست، اما تماماً هم وابسته به آمریکا و متحدینش در عراق نیست. بخصوص با توجه به اختلافات بین

اروپای واحد و آمریکا در رابطه با وضعیت عراق و کلا خاورمیانه، و بن بست و استیصالی که نیروهای اشغالگر در عراق با آن روبرو شده اند، به کرسی نشانند خواست خروج نیروهای اشغالگر و اعزام نیروهای حافظ صلح برای خلع سلاح احزاب و نیروهای ملی و مذهبی امر ناممکنی نیست. این البته خودبخود و با ابتکار بالاینها اتفاق نخواهد افتاد. انجام این امر، همانطور که اشاره کردم، در گرو بسیج و بمیدان آوردن نیروی عظیم صلحدوست، سکولار و آزادیخواه در جامعه عراق و در سطح بین المللی است و این وظیفه فوری و عاجل جنبش کمونیسم کارگری و مشخصاً حزب کمونیست کارگری چپ عراق برای برون رفت از وضعیت موجود در عراق است.

**انترناسیونال: در پاسخ به سئوالات قبل گفتید که تنها یک دولت و نظام سوسیالیستی در عراق میتواند به معنای واقعی کلمه غیر مذهبی و غیر قومی و مدنی و سکولار باشد. آیا از این تر باید این نتیجه را گرفت که پاسخ شما به شرایط مشخص حاضر، برقراری فوری جمهوری سوسیالیستی است؟ آیا با توجه به وضعیت سناریوی سیاه و شرایط غیر انقلابی در جامعه عراق این یک هدف دست نیافتنی و غیر عملی نیست؟**

**حمید تقوایی:** ما کمونیستها همیشه و همه جا خواهان برقراری فوری سوسیالیسم هستیم و در هر شرایطی بقدرت برسیم حکومت و نظام سوسیالیستی را اعلام و مستقر خواهیم کرد. اما در عین حال برای هر مساله و شرایط مشخص نیز پاسخ و راه حل عملی معینی داریم که هم در آن شرایط امکانپذیر و رفع کننده آن مساله مشخص است و هم ما را یک گام به تحقق هدف استراتژیک تصرف قدرت و برقراری جمهوری سوسیالیستی نزدیک تر میکند.

این مساله مشخص در شرایط امروز عراق فاجعه سناریوی سیاه در آن جامعه است که در مورد راه حل مشخص کمونیسم کارگری در قبال این مساله به تفصیل توضیح دادم. روشن است که تنها سوسیالیستها میتوانند این راه حل را در برابر جامعه بگذارند و رهبر و نیروی فعاله تحقق آن باشند. از سوی دیگر گرچه جمهوری سوسیالیستی پاسخ ما به مساله مشخص ختم سناریوی سیاه در عراق نیست، اما آلترناتیو ما برای حل مساله حاکمیت در عراق هست. همانطور که در بالا

تاکید کردم هیچ نوع حکومتی بجز جمهوری سوسیالیستی نمیتواند یک نظام و جامعه سکولار و مدنی و غیر قومی و غیر مذهبی را در عراق بوجود آورد. به این معنا در پاسخ به مساله حکومت در دل همین شرایط سناریوی سیاه نیز بطور عینی و واقعی راه حل دیگری بجز سوسیالیسم وجود ندارد. بقول منصور حکمت دنیا بدون افق سوسیالیسم و بدون امید و "خطر" سوسیالیسم منجلابی بیش نخواهد بود و امروز در عراق که این منجلاب با تمام کثافت و تعفن اش جامعه را در خود کشیده، برافراشتن افق و امید سوسیالیسم به یک ضرورت روز تبدیل شده است.

شرایط سناریوی سیاه در عین حال راه پاسخگوئی به این ضرورت را در برابر ما قرار میدهد. در وضعیت امروز عراق گرچه شرایط انقلابی وجود ندارد اما مساله دولت و قدرت سیاسی یک مساله محوری در جامعه است. دولت قبلی را با یورش نظامی در هم کوبیده اند و اکنون بیش از یکسال است که پر کردن خلا قدرت سیاسی و تشکیل حکومت به یک سؤال باز در جامعه تبدیل شده است. از سوی دیگر آمریکا و دیگر نیروهای مهاجم به عراق و احزاب و نیروهای بورژوازی بومی در خود عراق نشان دهنده اند که قادر به تشکیل یک دولت غیر قومی و غیر مذهبی و استقرار یک جامعه مدنی و سکولار در عراق نیستند.

انجام این امر تنها از عهده آن نیروی اجتماعی و سیاسی ساخته است که منتقد عمیق و رادیکال نظم نوین جهانی بورژوازی و نیروهای سیاسی مذهبی و قومی نشات گرفته از آن باشد. و این نیروی اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر و جنبش و حزب طبقاتی اوست. زمانی لنین میگفت هر دموکرات پیگیری باید سوسیالیست دموکرات باشد و در عراق، و کلا در دنیای امروز، باید گفت هر سکولار و آزادیخواه و طرفدار مدنیت پیگیری باید سوسیالیست باشد.

وظیفه کمونیسم کارگری در عراق در قدم اول خاتمه بخشیدن به سناریوی سیاه و ایجاد شرایطی است که در آن تشکیل یک دولت سکولار و مدنی امکان پذیر باشد. به این معنا پاسخ مشخص ما به سناریوی سیاه در عراق، یعنی خروج نیروهای اشغالگر و خلع سلاح نیروهای

مذهبی و ناسیونالیست در خود عراق، پیش شرط رسیدن به یک دولت و جامعه سکولار مدنی نیز هست. وظیفه ما اینست که ضرورت و خصلت کاپیتالیستی و نظم نوینی شرایط فاجعه بار عراق را برملا کنیم، این حقیقت را به همه نشان بدهیم که تنها یک دولت و نظام سوسیالیستی میتواند در عراق به معنای واقعی کلمه و عملاً سکولار و مدنی باشد، و کارگران و توده مردم را برای رسیدن به این هدف سازمان بدهیم. شکل مشخص این سازماندهی در شرایط حاضر متشکل ساختن و بسیج مردم هر جا و در هر سطح ممکن، در محلات و مناطق و شهرها برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر و نیروهای بعثی و اسلامی و دیگر نیروهای مرتجع بومی از محل زیست و کار خود و کنترل محل و اداره امور بدست خود مردم است. این نیز در عین پاسخ گفتن به مسائل عاجل گریبانگیر مردم، آنان را برای اعمال قدرت مستقیم بعنوان دولت آماده میسازد.

انجام پیگیری مجموعه این وظایف میتواند به سناریوی سیاه با دخالت فعال و اعمال اراده مستقیم مردم خاتمه بدهد و شرایط سیاسی و اجتماعی مساعدی برای نفوذ و توده گیر شدن آلترناتیو چپ و کمونیستی در جامعه عراق بوجود بیاورد.

ما معتقدیم اگر جامعه عراق از شرایط فاجعه بار حاضر خلاصی بیابد و آزادیهای سیاسی برای فعالیت همه احزاب فراهم شود آنگاه در هر انتخابات آزاد و برابر و منصفانه ای اکثریت عظیم مردم آلترناتیو چپ و سوسیالیستی را انتخاب خواهند کرد. منصور حکمت در سخنرانی معروفش "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود"، اعلام کرد که این امکان وجود دارد که چه در یک انتخابات آزاد و چه از طریق انقلاب کمونیستها در ایران به پیروزی برسند. به نظر من در عراق نیز این امر صادق است. امروز ایجاد حکومتی که به معنای واقعی سکولار و مدنی و غیر قومی و غیر مذهبی باشد از لحاظ عینی و بطور ایزکتیو به بقدرت رسیدن کمونیستها در عراق گره خورده است و این خود عامل مثبتی برای گسترش نفوذ و پیروزی کمونیسم در عراق است. \*

## رویدادها و اعتراضات کارگری: از اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

### شرکت صنایع پوشش رشت

کارگران این شرکت بمدت ۳ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. کارگران در اعتراض به تعویق در پرداخت دستمزد در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند. بنا به خبر، تعویق در پرداخت دستمزد در استان گیلان عمومیت دارد و شرکتهایی نظیر ایران برگ، کنف کار، مختار، پارس، ایران کنف، پارس ایران حقوق کارگران خود را از ۲ الی ۱۵ ماه پرداخت نکرده اند.

### شرکت کنف کار رشت

نا به اخبار منتشر شده مدتی پیش در جریان اعتراض کارگران این شرکت، ۵ کارگر به دلیل طلب کردن خواستهای برحق خود دستگیر شدند. از اسامی کارگران بازداشت شده اطلاعی در دست نیست. همینجا از کارگران کنف کار رشت می خواهیم که اسامی همکاران دستگیر شده خود را به ما اطلاع دهند.

### کارخانه سیانا

کارگران اخراجی شرکت تولیدی سیانا روز ۲۶ دیماه برای احقاق حقوق خود در برابر خانه کارگر رژیم در ساوه تجمع کردند. ۱۵۲ کارگر شاغل در این کارخانه در ابتدای سال ۸۲ از این کارخانه اخراج شدند. اخراج کارگران بدون قبول هیچگونه تهمیدی از سوی کارفرما و بدنبال تعطیلی کارخانه صورت گرفت. از آن زمان تاکنون مبارزه کارگران برای بازگشت به کار و همچنین تامین زندگی و معاش خود ادامه داشته است. خاطر نشان کنیم که در اثر سیاستهای کارفرما بیش از ۷۰۰ کارگری که در سال ۱۳۵۷ در این کارخانه مشغول بودند از کار بیکار شده اند.

### سد زیزدان

کارگران سد زیزدان در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماهه دستمزد هایشان روز ۲۷ دیماه دست از کار کشیدند. کارگران برای پیمانکارها کار می کنند و پیمانکار نیز تقصیر عدم پرداخت دستمزد کارگران را به گردن شرکت سهامی آب منطقه می اندازد که

بدهی پیمانکار را پرداخت نکرده است. آنچه در این وسط برای کارگران مهم می باشد دسترنج آنهاست که پرداخت نمی شود و همین را هم باید با زور از حلقوم سرمایه دران و دولتشان بیرون کشید.

### شرکت ول سرویس

کارگران این شرکت که برای کار از طرف کارفرما به جزیره کیش اعزام شده اند با مشکلاتی از قبیل سخت و طاقت فرسا بودن شرایط کار و

زیان آور بودن کار روبرو شده اند و بارها علیه این شرایط دست به اعتراض زده اند. سرانجام روز شنبه ۲۶ دیماه در اثر اعتراضات کارگران، کارفرما مجبور به عقب نشینی شد و به برخی از خواستهای کارگران پاسخ مثبت داد. از جمله این خواستها دریافت کمک هزینه زندگی در جزیره کیش و انجام معاینات پزشکی برای تعیین سلامت کارگران قبل از اعزام به کار می باشد. لازم به توضیح است که اکثر این کارگران از طرف دفتر بوشهر این شرکت بدون در نظر گرفتن شرایط سخت و زیان آور کار و شدت کار و بدون تامین امکانات پزشکی به این جزیره اعزام شده اند.

### اخباری از

#### اخراج و بیکار سازیها

بدنبال سیاست خصوصی سازی موسسات تولیدی در استان گیلان دهها واحد تولیدی کارگزارانشان را اخراج می کنند. از جمله کارخانجاتی که شامل طرح خصوصی سازی می شوند، صنایع پوشش رشت، الکترونیک ایران رشت، کنف کار ریسندگی مختار، پارس ایران، پارس، فرش گیلان، صنایع ابریشم گیلان و ایران برگ اشاره کرد. کارگران اکثر واحدهای نامبرده در وضعیت نابسامانی بسر برده و بلا تکلیف می باشند. قبل از به اجرا گذاشتن طرح های خصوصی سازی در این واحدها بیش از ۸ هزار کارگر مشغول به کار بودند که تاکنون ۸۰ درصد آنها بیکار شده اند.

### مرگ ۵ کارگر بخاطر ناامنی محیط کار

### کارگران در مقابل کار قراردادی مقاومت میکنند

#### ۲۰۰۰ کارگر پارس مینو در برابر کارخانه تحصن کردند

\* امروز سه شنبه ۲۹ دیماه ۲۰۰۰ کارگر شرکت پارس مینو در اعتراض به مدیریت در مقابل شرکت دست به تحصن زدند و اعلام کردند که تا فردا صبح به تحصن خود ادامه میدهند. کارگران پارس مینو اعلام کرده اند تا زمانی که مسئولین دولتی به خواستهای آنها رسیدگی

### مجتمع کشت و صنعت مغان

#### بینی از ۱۰۰۰ کارگر را اخراج می کند

#### فضای اعتراضی در میان کارگران بالاست!

بیش از ۱۰۰۰ کارگر کشت و صنعت مغان در معرض اخراج قرار دارند. کارفرما دلیل اخراج کارگران را "ازدیاد و اضافه بودن نیرو" اعلام کرده است. کارگرانی که قرار است اخراج شوند از میان کارگران رسمی و قراردادی هستند. این اخراج ها در شرایطی صورت می گیرد که پرداخت حقوق ۴ ماه کارگران به تعویق افتاده است و کارگران نسبت به این وضع معترض بوده اند. بنا به اخبار منتشر شده در بسیاری از مراکز تولیدی استان اردبیل، کارگران از شرایط کار اسفباری برخوردار هستند. کارگران عمدتاً بیمه نیستند و حقوق و مزایا و از جمله حقوق مربوط به اضافه کاری آنها پرداخت نمی شود. در همین حال اخبار حاکی است که کارخانه های پنبه پاک کنی مغان و بافت تلیس نیز به تعطیلی کشیده شده اند

کارگران کارخانه سنگ سیلیس ملایر واقع در شهرک ازندریان تعطیل شد. این کارخانه حدود ۳۰ کارگاه داشت که در هر کارگاه ۳ تا ۵ نفر کار میکردند. طبق خبر دریافتی ۵ نفر از کارگران بر اثر بیماری ناشی از کار جانانشان را از دست داده اند. کارگران میگویند کارفرمایان با دادن رشوه به بازرسان اداره بهداشت مانع گزارش جان باختن کارگران شده اند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ دی ماه ۱۳۸۳، ۱۷ ژانویه ۲۰۰۵

نکنند دست از اعتراض برخواهند داشت.

\* طبق تصمیم دولت ۴۵ درصد از برق تهران به بخش خصوصی واگذار شده است. بر اساس این تغییر و تحول کارگران قدیمی برق با خرید میشوند و به جای آنها کارگران قراردادی استخدام میشوند.

\* در کارخانه بیلکو واقع در جاده احمد آباد بطرف شهریار حدود ۲۵۰ کارگر قدیمی را با خرید کرده و قصد دارند به جای آنها کارگر قراردادی

و کارگران این واحدها در بلا تکلیفی بسر می برند. خاطر نشان کنیم که کارگران مجتمع کشت و صنعت مغان در اردیبهشت ماه ۸۳ اعتراضات پر دامنه ای را برای تعویض مدیریت شرکت و همچنین دیگر خواستهای خود برپا داشتند که با موفقیتهایی نیز توأم بود. انتظار میرود که خبر اخراج بیش از ۱۰۰۰ کارگر این مجتمع واکنش اعتراضی کارگران را موجب شود.

کارگران مجتمع کشت و صنعت مغان همانطور که بارها نشان داده اند تسلیم اجحافات و حمله کارفرما به حقوق کارگران نمی شوند. اخبار از اعتراض اهالی منطقه پارس آباد بر علیه مجتمع کشت و صنعت مغان خبر دارد. روز ۲۷ دیماه مردم این منطقه در اعتراض به آنچه که تصرف اراضی مردم توسط شرکت کشت و صنعت مغان نامیده شده است به خیابانها آمدند و با نیروهای جمهوری اسلامی درگیر شدند. در جریان مقابله با نیروهای رژیم، مردم با چوب و سنگ از خود به دفاع

استخدام کنند. کارگران در برابر این مساله مقاومت میکنند و اعتراض در میان کارگران بالاست. این کارخانه ۲۹۰ کارگر دارد.

\* کارگران شرکت بهمن پلاستیک در مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران حقوق هفت ماه خود را دریافت نکرده اند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ ژانویه ۲۰۰۵، ۲۹ دیماه ۱۳۸۳

برخاستند. چندین خودرو مزدوران به آتش کشیده شد و مردم معترض به مصادره اموال شرکت کشت و صنعت مغان پرداختند. اینکه اعتراضات روز ۲۷ دیماه چقدر به اعلام اخراج بیش از ۱۰۰۰ کارگر این مجتمع ربط دارد هنوز دقیقاً روشن نیست ولی اخبار از فضای اعتراضی بالا در میان کارگران مجتمع کشت و صنعت مغان خبر دارد.

حزب، کارگران این مجتمع بزرگ را فرا می خواند که در برابر اخراج بیش از ۱۰۰۰ کارگر متحدانه بایستند و این طرح ضد کارگری کارفرما را به شکست بکشاند. نیروی چند هزار نفری کارگران در این مجتمع اگر همدل و همبسته بمیدان بیایند قادر است پیروزی کارگران در این مبارزه را تضمین کند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ دی ماه ۱۳۸۳، ۱۷ ژانویه ۲۰۰۵

## تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

### مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12  
Center Frequency: 12608 MHz  
Symbol Rate: 19279  
FEC: 2/3  
Polarization: horizontal

## سی کودک محکوم به اعدام، در انتظار ۱۸ ساله شدن!

سی نوجوان محکوم به اعدام در مرکزی به اسم "کانون اصلاح و تربیت" در تهران و رجایی شهر، زندانی هستند، تا به سن قانونی اعدام، یعنی ۱۸ سالگی رسیده و حکومت آنها را اعدام کند!!! این یک فاجعه غیر قابل تصور است که باید در سراسر دنیا در مورد آن حرف زد. باید این خبر را به گوش جهانیان رساند. باید از همه نهادهای مدافع حقوق انسانی خواست به این رفتار بیشرمانه و جنایتکارانه حکومت اسلامی پاسخ درخور را بدهند. باید این رفتار وحشیانه را با شدت تمام محکوم کرد.

تصور کنید کودکانی را که روز و شب را با این کابوس به سر میبرند که اگر ۱۸ ساله شدند، باید پای جوخه اعدام بروند. ۱۸ ساله شدن برای هر نوجوانی یک اتفاق مهم، یک شروع خوب و یک روز به یاد ماندنی است. در همه دنیا به گوش جهانیان برسانید که در حکومت اسلامی جوانان و نوجوانانی را برای روزی که ۱۸ ساله شوند، در زندان محبوس کرده اند تا آماده به قتل رسیدن شوند. این غیر قابل تصور و غیر

## نجات سه نفر از زیر تیغ اعدام حکومت اسلامی عقب نشست!

روز سه شنبه ۱۸ ژانویه، بالاخره بعد از یک ماه تلاش و مبارزه برای نجات جان دو برادر فرهنگ و شهرام پور منصور و خالد حردانی، در شرایطی که نفسها در سینه حبس شده بود، حکومت اسلامی یکبار دیگر عقب نشینی کرد و حکم اعدام سه نفر را ملغی اعلام کرد. این یک پیروزی دیگر برای ما است. پیروزی برای مخالفین اعدام و جنبش ضد اعدام در ایران و دنیا.

کمیته بین المللی علیه اعدام این پیروزی را به خانواده این سه نفر و به مردم آزاده ای که در همه جا به این حکم وحشیانه اعتراض کردند، تبریک میگوید.

اما ما کارهای زیادی در پیش رو داریم. بیش از ۱۴ نفر دیگر در معرض خطر اعدام فوری هستند و حکومت اعلام کرده است که چهار

## از صفحه ۱ یکسال پس از جنایت خاتون آباد

اگر وجه اشتراك واقعه خاتون آباد در سال ۸۲ با شلیک به کارگران بیکار اصفهان در سال ۵۸ در همین شلیک گلوله به کارگر معترض است، اما اختلاف آنها به موقعیت حکومت در این دو دوره مربوط میشود. جنایت اصفهان گوشه ای از تعرض وسیع حکومت به انقلاب ۵۷ برای سرکوب آن و تثبیت رژیم بود، جنایت خاتون آباد اما نشانه استیصال و وحشت رژیم از جنبیدن این طبقه و هراس از انقلاب آتی است.

خیلی قبلتر از ۴ بهمن پارسال معلوم بود که ارباب نه فقط بی تاثیر است که نقش معکوس دارد. رگبار مسلسل در خاتون آباد نه تنها کارگر را ساکت نکرد، نه تنها دور اعتراض مردم آزادخواه را کند نکرد، بلکه کل وقایع یکسال گذشته بر پیشروی جنبش انقلابی و گسترش کمی و کیفی اعتراضات کارگری و دیگر اقشار جامعه تاکید میکند.

حکومت اسلامی با دین و خدایش، با حجاب و تبعیضاتش، با سانسور و اختناق و اربابش، و با تمام اجزای کریه و ضد انسانی اش تحت تعقیب است، تحت تعقیب جنبش انقلابی است. ازینرو امروز ارباب رژیم مثل باد زدن آتشی است که شعله هایش در اثر باد بیشتر زبانه میکشد. در واقع این حکومت اسلامی است که از وحشت سرنگونی و مرگ تب کرده است.

اکنون یکسال پس از جنایت خاتون آباد، خود جنبش طبقه کارگر گامهای بلندتری به جلو برداشته است. این جنبش به فاز تعرضی وارد

عمومی کشیده شود. هر کارخانه ای در مجمع عمومی خود به یاد کارگران جانباخته و محکوم کردن قتل آنها تصمیمی بگیرد و حرکتی بکند، از یک اعتصاب با زمان معین تا صدور قطعنامه و اعلام آن به جامعه. نفس مطرح شدن و اعلام حمایت از یک مطالبه یا اعتراض کارگری در مجمع عمومی یک کارخانه دیگر بسیار مهم است. سطح پیشرفته تری از آگاهی طبقاتی و توجه به منفعت کل طبقه است، و به امر اتحادهای وسیعتر کارگران خدمت میکند. باید تلاش کرد که در مراسمهای گرامیداشت یاد این کارگران، بخصوص در خاتون آباد و شهر بابک، وسیعا شرکت کرد، و اعلام همدردی با خانواده های جانباختگان و محکوم کردن این جنایت را قویا ابراز کرد. دیگر اقشار جامعه و تشکلهای مختلف خواهان آزادی و برابری باید صدای اعتراضشان را در سالروز این قتل عام کارگران رساتر بلند کنند. باید در سالروز جنایت خاتون آباد در سراسر ایران اعتراض و حرکتی را علیه رژیم و در دفاع از خواست و مطالبه کارگران سازمان داد و یاد کارگران را گرمی داشت. ۴ بهمن را باید تبدیل کرد به یکی از روزهای که اعتراض کارگر علیه جمهوری اسلامی در سطح سراسری ابراز میشود. آدمکشان حرفه ای حکومت اسلامی سرمایه، رفقای ما را به جرم اعتراض به فقر و بیکاری کشتند، باید علیه این حکومت متحد و متشکل بشویم. \*

## کارگر کمونیست" شماره ۶ و ۷ منتشر شد

این شماره به موضوعات متنوعی چون جایگاه و نقش کارگران در انقلاب، مبارزات کارگران نساجی کردستان در سنندج، درباره قردادهای موقت، شوراها، نقد سندیکالیسم، درسهای اعتصاب، توهم سندیکالیستی، ایمنی محیط کار، تجربه مبارزات کارگری، وضعیت جنبش کارگری، آی ال او و شوراها، موضوع اخراج پناهندگان افغان، اعتراضات کارگری در آلمان، نامه خوانندگان و غیره پرداخته است. خواندن نشریه "کارگر کمونیست" را به تمام فعالین کارگری، تمام کسانی که مسائل جنبش کارگری را دنبال می

نفر را در همین روزها اعدام خواهد کرد. برای نجات این چهار نفر کمیته بین المللی علیه اعدام، مشغول پیشبرد یک کمپین فوری است. تماس با کمیسیونهای حقوق بشر در اروپا، جمع آوری امضا، ارسال نامه اعتراضی و برپایی میتینگهای اعتراضی همه و همه باید ما را وادار کند این احکام جنایتکارانه را ملغی کنیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام مصمم است کاری کند که حکومت جنایتکار اسلامی را به عقب نشینی های بیشتری وادار کند. اعدام جنایتی است غیر قابل تصور و باید بر علیه آن بهر طریق ممکن مبارزه کرد. به این جنبش انسانی و مهم پیوندید.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱۸ ژانویه ۲۰۰۵

کنند و تمام کمونیستها و آزادخواهان توصیه می کنم. علاقمندان می توانند از طریق سایت اینترنتی "کارگر کمونیست" ([www.wpiran.org/00-k-komunist/00kk.htm](http://www.wpiran.org/00-k-komunist/00kk.htm)) به نشریه "کارگر کمونیست" دسترسی پیدا کنند. همچنین می توانید نسخه چاپی این نشریه را از طریق میزهای کتاب حزب کمونیست کارگری ایران تهیه کنید؛ و اگر مایلید که نسخه چاپی این شماره نشریه برای شما پست شود، لطفا با ای میل [nasser\\_asgary@yahoo.com](mailto:nasser_asgary@yahoo.com) تماس بگیرید تا قیمت و هزینه پستی را به اطلاع شما برسانم.

ناصر اصغری

مسئول اجرائی "کارگر کمونیست"



از صفحه ۱

## مصاحبه با علی جوادی

سلطنت طلبی و بقایای نیروهای شکست خورده جنبش ملی - اسلامی، شعارها و خواسته‌های مردم را دیده اند. از میزان نفوذ و اعتبار آرمانها و عقاید رادیکال و آزادیخواهانه و ضد مذهبی و سکولار در جامعه مطلع اند. از قدرت و نقش کارگر و برابری طلبی آگاه اند. از نقش و موقعیت سیاسی و اجتماعی کمونیسم کارگری در جامعه باخبرند. صفوف این نیروها در پس مواجهه با این واقعیات عظیم اجتماعی دچار تغییر و تحولی محسوس شده است. شکل گیری یک جبهه سیاسی در اردوی رفراندوم اساسا طرحی برای مقابله با این واقعیت عظیم اجتماعی است. آنچه در ایران در جریان است وقوع و شکل گیری یک انقلاب عظیم اجتماعی است. در مقابله با این اردوگاه همه نیروها اعم از ارتجاع حاکم و اپوزیسیون ضد انقلابی در حال تغییر آرایش سیاسی اردوی خود بمنظور مقابله با این تحول عظیم هستند. صحنه‌ی جدید له و علیه انقلاب اجتماعی و پرچم کارگری و کمونیسم در جامعه است. این روند قابل پیش بینی بود. از دل جنبش توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی، جنبشی انقلابی در حال شکل گیری و گسترش است و اکنون سر بلند کرده است. کابوس انقلاب این جریانها متعدد ضد انقلاب را بهم نزدیک کرده است. طرح رفراندوم محل تلاقی و فصل مشترک این جریانها در مواجهه با انقلاب مردم است. ما این چرخش و شکل گیری این روند را پیش بینی می‌کردیم. ما خود را برای عبور از این شرایط آماده کرده بودیم.

**انترناسیونال: یکی از جوانب این تغییر صحنه‌ی در صفوف اپوزیسیون پیوستن بخشهای وسیعی از سلطنت طلبان و رضا پهلوی به پروژه رفراندوم است. معنای این نزدیکی چیست؟ ارزیابی شما چیست؟**

**علی جوادی:** پیوستن رضا پهلوی به این اردوگاه به معنی پایان پروژه سلطنت در فردای تحولات ایران است. سلطنت پروژه ای مرده بود اما عملا با این اقدام رضا پهلوی رسماً دفن شد. افسردگی و چند پارگی و نشئت بیسابقه در صفوف سلطنت طلبان یکی از نتایج اولیه این

شان انسان اعلام کرد. و با یک رای گیری ساده از جامعه اعلام کرد که از این پس آزادی و برابری و رفاه و شادی حق و سهم همگان خواهد بود. یکاش میشد. اما واقعیت این است که برای تحقق این اهداف باید رژیم اسلامی را سرنگون کرد و انقلاب متمدنانه ترین و انسانی ترین راه برای سرنگونی رژیم اسلامی و برچیدن این بساط جنایت و تبعیض و کشتار است. راه دیگری نیست.

اما رفراندوم طلبی طرحی برای سرنگونی رژیم اسلامی نیست. بر عکس تلاشی برای اصلاح نظام حاکم است. علت پیوستن نیروهای سلطنت طلبی و احزاب مشروطه خواه به صف رفراندوم چی ها را باید در همان صف بندی بنیادی جامعه در حال حاضر جستجو کرد. این نیروها در هراس از انقلاب و در جهت تجدید آرایش صفوف طبقه حاکم به این پروژه پیوسته اند. کودکانه می پندارند که رفراندوم سکویی برای این جریانها برای پرش به بالا و پلکانی برای ترقی و ارتقاء این جریانها است. اشتباه میکنند. از سکوی رفراندوم چی گری فقط میتوانند به پایین سقوط کنند. این حکم مردمی است که سرنگونی رژیم اسلامی را پیش شرط هر تحول انسانی و آزادیخواهانه در جامعه میدانند.

**انترناسیونال: این جریانها مدعی هستند که رفراندوم تلاشی برای انتقال مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی است. طرحی برای جلوگیری از خشونت و خونریزی است. پاسخ شما چیست؟**

**علی جوادی:** این استدلال نیست. ضد استدلال است. پوچ است. خوشخیالی نیست. عوامفریبی محض است. رفراندوم تلاشی برای عبور مسالمت آمیز به یک رژیم سکولار و آزاد و برابری طلب نیست. کیست که نداند رژیم اسلامی در اثر رای مردم و در فردای فرضی چنین رفراندومی اسلحه هایش را زمین نخواهد گذاشت. زندانهایش را تعطیل نخواهد کرد. بساط سنگسار و شلاق و چشم در آوردنش را جمع نخواهد کرد. کیست که نداند در فردای یک رفراندوم پوچ و فرضی رژیم اسلامی قوای سرکوبش، اعم از بسیج و سپاه و نیروهای امنیتی و ارتشی را به مرخصی نخواهد فرستاد. چه کسی است که باور کند "صدا و سیمای" لاریجانی دوربینهایش را در اختیار تمام

نیروهای اپوزیسیون اعم از کمونیستهای آزادیخواه و سلطنت طلب قرار خواهد داد تا آزادانه تبلیغ کنند؟ بعید بنظر میرسد کسی تا این اندازه خام اندیش باشد.

رفراندوم طرحی برای انتقال مسالمت آمیز و عبور کم مشقت از جمهوری اسلامی نیست. اگر کسی خواستار پایان دادن به خشونت و خونریزی است باید کمک کند تا تمامی بساط رژیم اسلامی را جمع کند. خشونت عنصر ذاتی حاکمیت رژیم اسلامی است. این رژیم بدون خشونت و خونریزی قادر به دوام نیست، یک شبه سقوط خواهد کرد. برای ختم بساط خشونت و خونریزی باید اسلحه را از دست حاکمیت سیاسی گرفت. باید بزور اسلحه را از دستش در آورد. انقلاب مردم تنها راه واقعی جلوگیری و پایان دادن به بساط خشونت و خونریزی در جامعه است.

تبلیغات رفراندوم چی ها واقعا مشتمل کننده است. رژیمی آدمکش هر روز به طرف مردم شلیک میکند. اما این جماعت از مردم میخواهند که خشونت و خونریزی نکنند. این تنها گوشه ای از تلاش این جریانها برای خلع سلاح مردم است.

**انترناسیونال: آیا مشکل این جریانها عدم شناخت از مضمون طرح رفراندوم است؟ آیا عدم درایت سیاسی بیانگر چنین موضعگیری سیاسی است؟**

**علی جوادی:** بهیچوجه. هیچکدام. مشکل این جریانها نه در عدم شناخت از اهداف رفراندوم است و نه در عدم درک سیاسی این جریانها. بر عکس رفراندوم ابزار و اهرمی در دست این جریانها بمنظور مقابله با صف آزادیخواهی و برابری طلبی و انقلاب در جامعه است. این سمت گیری سیاسی از طرف اکثریت عظیم نیروهای راست و محافظه کار ناشی از هراسشان از چشم انداز تحولات آتی است. عروج کمونیسم کارگری بمشابه پرچمدار صف اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه زمینه ساز تحرك و تجدید آرایش این جریانها شده است.

**انترناسیونال: نقش و موقعیت چپ و کمونیسم کارگری را در این موضعگیری راست چگونه ارزیابی میکنید؟**

**علی جوادی:** اردوی چپ و کمونیسم کارگری در حال قدرت گیری است. این واقعیتی غیر قابل انکار حتی از جانب این جریانها است. این جریانها ناچار به سنگر بندی در

مقابل این اردوی آزادیخواهی و عدالت طلب هستند. اقتضای حرکتشان این است. میکوشند تا تجدید آرایشی در درون طبقه حاکم بورژوازی در جامعه ایجاد کنند تا بتوانند ساده تر به مقابله و اجتناب از انقلاب کارگران بپردازند.

**انترناسیونال: رضا پهلوی مرز آزادیخواهی و استبداد را در دفاع و رد طرح رفراندوم بیان کرده است. شما مرز را کجا میکشید؟**

**علی جوادی:** مرزها و خطوط آزادیخواهی و برابری طلبی روشن است. تعجب می‌کنم آقای رضا پهلوی خود را در این حوزه وارد کرده اند. ایشان مدافع تاج و تخت پادشاهی است. اعاده این دستگاه کوچکترین ربطی به آزادیخواهی ندارد. اما ظاهرا مستقل از تقسیم بندی پوچ ایشان باید پذیرفت که خود ایشان در صف آزادیخواهی و "حقوق بشر" قرار دارند. این ادعایی خیالی است. من تاکنون در تاریخ شاهد نبوده ام که مردمی جان به لب رسیده و زحمتکش بمنظور ابقای سلطنت کفش و کلاه کنند و سینه خود را در مقابل گلوله های رژیم قرار دهند. سلطنت اکنون مرده ای بیش نیست.

**انترناسیونال: شما در مصاحبه های تلویزیونی اظهار کرده اید که پروژه سلطنت به آخر خط خود رسیده است. چرا؟ مگر شناسی هم داشتند؟**

**علی جوادی:** بهیچوجه! ابقای سلطنت در فردای ایران یک پروژه غیر ممکن است. سلطنت در فردای ایران جایی ندارد. سلطنت طلبی رگه اصلی و تعیین کننده جریانها است و محافظه کار در جامعه نیستند. برعکس پاشنه آشیل آن هستند. اگر این جریانها دست راستی شناسی داشته باشند، این شناس نصیب جریانها سلطنت طلب نخواهد شد. مردم یکبار سلطنت را به زیر کشیده اند. اما عروج و شکل گیری انقلاب آزادیخواهی مردم شناس این جریانها را تماما تیره و تار کرده است.

**انترناسیونال: سرنوشت طرح رفراندوم را پس از پیوستن سلطنت طلبان به این طرح چگونه می بینید؟ آیا نیرو گرفته اند؟ آیا تضعیف شده اند؟**

**علی جوادی:** سؤال جالبی است. برخی از ملی اسلامیه به شما خواهند گفت که این "عقد ازدواج" باعث تضعیف پروژه رفراندوم طلبی خواهد شد. موقعیت و کارنامه این

## لبخند افسانه نوری

از صفحه ۱

هفت سال فرزندانش را در آغوش بگیرد.

افسانه نوری آزادی را به این خاطر بدست آورد که انسان هایی بودند که انسان دوست اند، انسانی هایی بودند که آزادیخواه اند، انسان هایی بودند که فقط به زندگی خود نیندیشیدند و برای آزادی او تلاش کردند، برای آزادی او مبارزه کردند. خانم روزنامه نگاری بود که پرونده افسانه نوری را به روزنامه ها کشاند و آن را به خبر تبدیل کرد. و این خبر در سطح بین المللی انعکاس یافت. انسان هایی بودند، جنبش و جریانی بود که به یک همبستگی بین المللی برای آزادی او دامن زد، و پرونده افسانه، و حکم اعدام او را همچنان چون یک خبر روز در جامعه داغ نگاه داشت و مردم را به نجات جان او دعوت کرد. افسانه نوری امروز لبخند می زند، شادی به زندگی اش بازگشته است، چون انسان هایی بودند، که به سرنوشت او و فرزندانش، به عدالت و انصاف، و به انسانیت فکر کردند. انسان هایی بودند که صدایشان را علیه این حق کشی بلند کردند. انسان هایی بودند که نجات افسانه نوری را به امر خود بدل کردند و راحت ننشستند تا افسانه را به آغوش خانواده اش بازگردانند.

چنین انسان هایی امروز به خود افتخار می کنند. ما هم امروز لبخند می زیم، ما هم امروز شادیم برای اینکه تلاشمان ثمره بخشید. در زندگی یک انسان، در زندگی یک خانواده مشر شمر بودیم. شادیم، خوشحالیم برای اینکه توانستیم یک انسان را از اعدام نجات دهیم. توانستیم انسانی را از سیاه چال های جمهوری اسلامی آزاد کنیم، توانستیم یک مادر را به آغوش فرزندانش بازگردانیم. توانستیم وظیفه انسانی مان را انجام دهیم. وجدان هایمان اکنون آرامش بیشتری دارد.

افسانه نوری اگر امروز لبخند می زند بخاطر این تلاش هاست. به او، به خانواده اش و به فرزندانش تبریک می گوئیم.

ولی یک انسان دیگر اشک می ریزد. یک انسان دیگر در غم است. یک انسان دیگر در همین سیاه چال ها دارد زندگیش تباہ می شود. یک انسان دیگری منتظر طناب دار است. می خواهند زن جوان دیگری

را اعدام کنند. اعدامش می کنند چون ما تحت نظامی زندگی می کنیم که حق انسان را زیر پا می گذارد، نظامی که سرکوب گر است، زن ستیز است، مردسالار است. نظامی که کشتار و اعدام و شکنجه و سنگسار بخش جدایی ناپذیر موجودیتش است. بدون آن نمی تواند در قدرت باقی بماند. اگر اعدام و شکنجه و سنگسار را متوقف کنیم، اگر درهای زندان ها را بشکنیم و اسیران را خلاص کنیم، این نظام نمی تواند به حیات خود ادامه دهد. یک انسان دیگر، یک زن جوان دیگر منتظر طناب دار است. و ما باید همانگونه که از افسانه نوری دفاع کردیم، برای نجاتش تلاش کردیم، همبستگی نشان دادیم، صدای اعتراض مان را بلند کردیم، باید از شهلا جاهد هم دفاع کنیم. این زن جوان در باصطلاح دادگاه اشک می ریزد، برای اینکه حکم اعدام اش را صادر کرده اند.

می دانم که پرونده شهلا جاهد با پرونده افسانه نوری یک اختلاف فاحش دارد. می دانم که دفاع از شهلا جاهد برای انسان دوستانی که از افسانه نوری دفاع کرده اند، کار دشوار تری است. ولی ما زمانی اوج انسانیت خود را به نمایش می گذاریم، زمانی نشان می دهیم که به بشریت متمن و آزاده متعلقیم که بتوانیم بر تمام تعصبات پا بگذاریم و پرچم انسانیت را بلند کنیم.

افسانه نوری یک زن، یک مادر جوانی است که می گوید مردی قصد تعرض و تجاوز به او را داشته است و او در دفاع از خود، در دفاع از «ناموس» خود این مرد را به قتل رسانده است. چنین زنی تمام سمپاتی، حمایت، عاطفه و همبستگی مردم را پشت خود دارد. مهم نیست که اخلاقیات ما چیست، فرهنگ مان چیست، درباره حقوق زن و رابطه زن و مرد چه فکر می کنیم، حمایت و قلب ما با افسانه نوری است. زنی که از خود دفاع کرده، یا در قاموس فرهنگ حاکم از «ناموس» خود دفاع کرده مورد حمایت است. مهم نیست ما از نظر اخلاقی کجا ایستاده ایم، از نظر فرهنگی و اعتقادات اخلاقی کجا ایستاده ایم، بی درنگ از افسانه دفاع می کنیم.

موقعیت شهلا جاهد متفاوت است. می گویند شهلا جاهد همسر

دوست پسر خود را کشته است. همین مساله تمام پرونده را برای ما عوض می کند. شهلا جاهد خود مادر نیست، بلکه متهم به قتل یک مادر جوان است. این هم کفه ترازو را به ضرر شهلا جاهد پایین می آورد. ولی ما آنجا انسانیت خود را بروز می دهیم که از این نکات پای خود را فراتر بگذاریم و به واقعیات دیگری در این پرونده نگاه بیاندازیم. یک زن جوان، یک انسان را به زندان انداخته اند و با شکنجه از او اعتراف گرفته اند. پیش از اولین محاکمه مدت هفده ماه در زندان اسیر بوده، ناخنش را کشیده اند، کتکش زده اند، تحقیر و تهدیدش کرده اند، جان دختر بچه عزیزیه که او بسیار دوست می دارد را تهدید کرده اند، چندین ماه در انفرادی اسیرش کرده اند، و از او اعتراف گرفته اند. ولی او مدعی است که مرتکب این قتل نشده است.

اگر این پرونده در کشورهای غربی، مثلاً آمریکا به دادگاه ارجاع داده شده بود، دقیقاً به خاطر این واقعیات، بخاطر اعتراف گرفتن به زور شکنجه و ارباب، بخاطر شکنجه متهم، دادگاه این پرونده را بررسی نمی کرد و متهم می توانست پلیس و دستگاه قضایی را به دادگاه بکشد. شهلا جاهد میگوید که دست به این قتل زده است و قربانی یک توطئه است. این پرونده و محاکمه سوالات مهم و حیاتی را درباره سیستم قضایی، حقوق متهمین، مجازات اعدام، و عدالت قضایی در مقابل ما قرار می دهد. در بررسی این پرونده مسائل مهمی عرض اندام می کند که باید بعنوان یک انسان، یک انسان منصف و عدالتجو به آنها بیاندیشیم و برای آنها جویای پاسخ باشیم.

براستی چگونه می توان در جمهوری اسلامی انتظار یک محاکمه عادلانه داشت؟ چگونه می توان اطمینان حاصل کرد که حقایق همانگونه که هست بررسی و کشف خواهد شد؟ آیا می توان حتی یک لحظه فکر کرد که قضاوت در جمهوری اسلامی می تواند منصفانه باشد؟ عاری از تعصب باشد؟ انسانی و متکی بر عدالت باشد؟ اینها سوالاتی است که در مقابل هر انسان عدالتجو قرار دارد. حتی اگر ما مخالف مجازات اعدام نباشیم نیز ماهیت سیستم قضایی و محاکمه و قوانین جزایی جمهوری اسلامی باید زنگ خطر را

در گوش های ما به صدا درآورد. همین سوال که آیا شهلا جاهد واقعا مرتکب جرم شده است. آیا یک انسان بیگناه بالای دار نمی رود؟ آیا ما می توانیم با آگاهی به این واقعیت، با وجود این شک و تردید، با وجدان آرام سر بر بالین بگذاریم؟

آیا مجازات اعدام اصلاً انسانی است؟ آیا اعدام به خشونت در جامعه دامن نمی زند؟ آیا مجازات اعدام جامعه را از انسانیت تهی نمی کند؟ آیا حرمت حیات و انسانیت را تنزل نمی دهد؟ آیا نظاره این زن جوان با طناب دار بر گردنش و بر بالای جرتقیل جامعه را حتی بیشتر به قهقرا نمی برد؟

وقتی به پرونده شهلا جاهد می اندیشیم تمام این سوالات به ذهن خطور می کند. پاسخ من چنین است: جمهوری اسلامی صلاحیت محاکمه شهلا جاهد را ندارد. این سیستم بر مبنای سرکوب و تعصب و حق کثی و قوانین عقب مانده عصر حجر بنیان گذاشته شده است و صلاحیت قضاوت و محاکمه و مجازات هیچکس، منجمله شهلا جاهد را ندارد. شهلا جاهد باید در یک دادگاه منصفانه محاکمه شود و در صورت اثبات جرمش مجازات شود. ولی جمهوری اسلامی چنین صلاحیتی را ندارد.

اگر ما ساکت بنشینیم، اگر اعتراض نکنیم، اگر بر شک و تردید خود چشم ببندیم و عمل نکنیم، وجدانمان آرام نخواهد گرفت. اعدام شهلا جاهد به هیچ منفعت انسانی و عدالت خواهانه ای خدمت نمی کند، فقط خشونت و بی حرمتی انسان و حیات را شدت می دهد. تا همین زمان هم این زن جوان مورد شکنجه های بسیار قرار گرفته است. او خود یک مدعی است.

اخلاقیات حاکم رفتار شهلا جاهد و زندگی او را نمی پسندد. ولی آیا باید اجازه دهیم که این قضاوت و ترجیح اخلاقی روند عدالت را تعیین کند؟ اجازه دهیم که در مقابل یک بی عدالتی مطلق، یک حق کثی، یک جنایت دیگر، اعدام یک زن جوان ساکت بنشینیم و چشمانمان را ببندیم؟ ما نباید اجازه دهیم که اخلاقیاتمان، تعصبات اخلاقی، ما را از دفاع از جان یک انسان، تلاش برای نجات یک زن جوان از اعدام، برای خلاصی یک زن جوان از سیاه چال ها و شکنجه گاه جمهوری اسلامی باز دارد. اختلافاتی که میان پرونده شهلا

جاهد با افسانه نوری وجود دارد، ساکت نشستن و بی اعتنائی ما را به پرونده شهلا جاهد آسان تر می کند. دفاع از شهلا جاهد به همان سادگی دفاع از افسانه نوری نیست. ولی نباید اجازه دهیم که عدالت و انسانیت چنین زیر پا گذارده شود. ممکن است در کنه ذهن خود بگوییم که شهلا جاهد «حقیقت است.» «ولی حق کجا و چگونه تعیین می شود؟ در یک جامعه ای که اخلاقیات و ارزشهای حاکم شدت عقب مانده و مردسالار اند، حق چگونه تعیین می شود؟ باید به این سوال پاسخ دهیم: آیا حتی اگر شهلا جاهد مرتکب این قتل شده باشد، جامعه مجاز است در مقابل شکنجه و تحقیر و ارباب او ساکت بنشیند؟ آیا اعدام او مجاز است؟ اگر پاسخ ما به هر یک از این سوال ها منفی است باید به اعدام او اعتراض کنیم.

ما، وجدان های ما، انسانیت و عدالت خواهی ما در یک آزمون مهم قرار گرفته است. در این آزمون، انسانیت و عدالت خواهی می تواند پیروز شود و یا شکست بخورد. دفاع از افسانه نوری کار بمراتب ساده تری بود: زن جوانی، مادر جوانی که در دفاع از خود در مقابل تجاوز مردی مرتکب قتل شده حمایت و همبستگی و سمپاتی همه جامعه را پشت خود دارد. در دفاع از شهلا جاهد است که انسانیت آزمایش دشوارتری را در مقابل خود دارد، زنی که متهم است همسر دوست پسر خود را کشته است. علیرغم اینکه اخلاقیات ما در مورد شهلا جاهد چه حکمی صادر می کند، باید حکم اعدام او را لغو کنیم. علیرغم اینکه اخلاقیات شهلا جاهد در دادگاه اخلاقی ما مورد تأیید قرار می گیرد یا نه، باید به حکم اعدام او اعتراض کنیم. بخاطر بیابوریم که شهلا جاهد با شجاعت تمام در دادگاه بلند شد و صدای اعتراض اش را علیه سیستم قضایی جمهوری اسلامی بلند کرد و گفت که به زور شکنجه و ارباب از او اعتراف گرفته اند. اعتراض کرد و در همان دادگاه اعتراض اش را سرکوب کردند و کتکش زدند.

دفاع ما از شهلا جاهد بیانگر انسانیت عمیق ماست. نشانگر عبور ما از تعصبات اخلاقی تنگ جامعه است. وقت کوتاه است. باید

## در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



### "انتخابات پارلمانی عراق" و گسترش ترور

انتقالی" صرفا يك نمایش باشد که حتی در ظاهرا هم شکل و شمایل انتخابات را ندارد، اما از این نظر یعنی رسمیت دادن و مشروعیت بین المللی بخشیدن به حکومت موجود عراق و القای حرکت به سمت عادی سازی در این کشور، برای دولت آمریکا يك حرکت مهم و تعیین کننده است و بهمین دلیل مصدند که آن را در موعد مقرر برگزار کنند. آنها بخوبی میدانند که در تمام انتخابات ها حتی دموکراتیک ترین آنها دقیقا همین بدست آوردن مشروعیت مردمی است که مهم است نه اینکه بطور واقعی مردم در تصمیم گیریهای سیاسی دخالت داده شوند. طرف دیگر جنگ و کشاکش در عراق یعنی گروههای ناسیونالیستی و اسلامی نیز تلاش و تقلایشان اینست که مانع همین سناریو شوند و شکست سیاست آمریکا در عراق را به جهان نشان دهند. برنده این کشاکش هرکس باشد، بازنده آن معلوم است و آن مردم محروم عراق هستند که در میان قطبهای جنایتکار اسلامی و ناسیونالیستی از يك سو و نظامیان آمریکایی و شرکا از سوی دیگر میچاله و قربانی میشوند. "انتخابات" عراق نه سزاوار شرکت کردن است و نه قابل تحریم نمودن. این "انتخابات" را باید بعنوان پرده ای از يك جنگ و آدم کشی افشا کرد.

### کوماندوهای آمریکائی در خاک ایران؟

روزنامه "نیویورکر" این هفته از عملیات شناسائی کماندوهای آمریکائی به کمک نیروهای پاکستان در داخل خاک ایران خبر داد. گرچه این خبر در وهله اول انعکاس وسیعی در جهان نیافت و چندان جدی گرفته نشد، اما عکس العملهای بعدی مقامات آمریکائی توجه ها را بیشتر متوجه این موضوع ساخت. مقامات مختلف

آمریکا در رابطه با این خبر تنها گفتند که جنبه های غیر واقعی در این خبر زیاد است. جرج بوش در رابطه با این خبر گفت این خبر غیر واقعی است اما احتمال عملیات نظامی آمریکا علیه ایران را رد نکرد. مستقل از اینکه این خبر واقعی یا غیر واقعی باشد، يك چیز واقعی است و آن اینکه حکومت آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی در هفته های اخیر لحن تند تر و سازش ناپذیرتری در پیش گرفته است. نهادهای وابسته به سیاستگزاران نوکسرواتیو آمریکا این ارزیابی را به زبانهای مختلف تاکید میکنند که پیروزی آمریکا در "جنگ علیه تروریسم" بدون یکسره کردن تکلیف جمهوری اسلامی ممکن نیست زیرا این حکومت سرخ تمام اقدامات تروریستی را در دست دارد. حتی جناحهایی از حزب دموکرات آمریکا نیز سیاست بوش در برخورد به جمهوری اسلامی را نرم قلمداد میکنند. تمرکز این بحث روی مساله عراق و فلسطین قرار دارد و ارزیابی سیاستگزاران آمریکا اینست که بدون مهار جدی حکومت اسلامی امکان تثبیت اوضاع نه عراق و نه در فلسطین وجود نخواهد داشت. رسانه های مختلف غربی گزارشها و تفسیرهای متعددی از رابطه حکومت اسلامی با القاعده و سایر گروههای تروریستی را منتشر نموده اند.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی در میان دول اروپایی نیز موقعیت ضعیفتری پیدا کرده است. تلاش و تقلاي رژیم اسلامی برای بدست آوردن توانایی ساخت سلاحهای اتمی، باعث شد که سیاست "دیالوگ انتقادی" دولتهای اروپایی که در واقع اسم رمزی برای ممانعت و همکاری و روابط وسیع دیپلماتیک و سیاسی و اقتصادی با این حکومت بود، عملا به بن بست برسد و این دولتها را بناچار در همسویی با سیاست آمریکا برای زیر فشار قرار دادن هرچه بیشتر جمهوری اسلامی قرار داده است.

این سوال این روزها بنحو جدی تری مطرح میشود که آیا احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران واقعا وجود دارد یا نه؟ پاسخ قطعی به این

### از صفحه ۶ مصاحبه با علی جوادی

جریان را تیره تر از آن میدانند که جای جشن و شادمانی در این بهم پیوستن برایشان باقی گذاشته باشد. بی بی سی که این گونه می اندیشد. از طرف دیگر برخی از جریانات ملی - اسلامی از این نزدیکی ذوق زده اند. اما مستقل از این ارزیابی ها قرار گرفتن این دو نیرو در کنار هم قویترشان نخواهد کرد. پروژه رفراندوم آن چنان پوچ و خیالی است که بساطشان با تاج و شتل پهلوی و عباي دوم خردادی رنگ و رونقی نخواهد گرفت.

**انترناسیونال: پروژه سلطنت طلبی از نقطه نظر شما تمام شده است، اما موقیبت راست را علی العموم در تحولات آتی چگونه می بینید؟**

**علی جوادی:** باز هم باید تکرار کنم که سلطنت طلبی به پایان

### از صفحه ۷ لبخندهای افسانه نوری

از جان شهلا جاهد دفاع کنیم. با همبستگی عمومی مان همانگونه که لبخند را به لب های افسانه نوری بازگردانیم، بکوشیم که اشک های شهلا جاهد را نیز به

سوال را هیچکس حتی خود مقامات آمریکائی نمیدانند. آنها در تمام سالهای اخیر علیرغم قطع بودن کامل مناسبات رسمی، عملا بطور منظم در سطح هیئتهای بلند پایه در ارتباط بوده اند. گزارشهای موثقی از همکاریهای جمهوری اسلامی و حکومت آمریکا تاکنون منتشر شده است. اما بنظر میرسد که اکنون حکومت آمریکا خود را ناچار به برخوردی قاطع تر با حکومت اسلامی می بیند و شکست سیاست "دیالوگ انتقادی" اروپا نیز به این سیاست کمک میکند. کوندولیزا رایس وزیر امور خارجه تازه انتخاب شده آمریکا و یکی از طراحان سیاست جنگی "ضربات پیشگیرانه" در يك کنفرانس مطبوعاتی در سنای آمریکا در رابطه با ایران گفت "هدف دولت بوش اینست که نظامی در ایران باشد که نگرانی های ما را نسبت به سیاستهای این کشور درک

لیخند بدل کنیم. این يك آزمون مهم است. باید از آن سربلند بیرون آئیم.

**این متن بر مبنای يك گفتار تلویزیونی در تلویزیون انترناسیونال به تاریخ پنجشنبه ۱۳ ژانویه ۲۰۰۵، تنظیم شده است.**

کند در حالیکه اکنون صد و هشتاد درجه با منافع ما در تضاد است. چنین نظامی باید به تعهدات خود در قبال سلاحهای هسته ای عمل کند، بپذیرد که تعدادی از رهبران القاعده در ایران هستند و از حزب الله، تروریستها و گروههای فلسطینی مخالف روند صلح خاورمیانه پشتیبانی میکنند. این نظامی است که ما خواهان آن هستیم."

مشکل اصلی دولت بوش و خانم "کوندولیزا رایس" اینست که این سیاست را باید طوری به پیش برند که روزنه ای برای به میدان آمدن مردم سرگونی طلب گشوده نشود. و این را در واقع هیچ سیاست و دولتی نمیتواند تضمین کند. زیرا مردم ایران مستقل از بازبهای دیپلماتیک فی الحال با مبارزات خویش پا به میدان گنارده اند و حاضر به بازگشت به خانه هایشان با هیچ سیاستی نیستند. \*

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**